

Manifestations of Myth in Art: An Investigation of Ritual Tools and Vessels in the Yasna Ceremony

Saba Latifpour*

¹. Assistant Professor, Department of Art History, Art Research Institute, Academy of Arts, Tehran, Iran

* Corresponding Author, sabalatifpour@gmail.com

ARTICLE INFO

IRA, 2024

VOL. 2, Issue 2, PP, 119-138

Receive Date: 30 October 2024

Revise Date: 24 November 2024

Accept Date: 08 December 2024

Publish Date: 08 December 2024

Original Article

KEYWORDS: Yasna Ritual; Mythology; Ritual Objects; Cosmic Order

ABSTRACT

Background: Comprehending the thought processes of people from earlier periods has become a significant concern for modern humans. By exploring the mindset of ancient humans and understanding the differences, similarities, and trajectories of their lives and beliefs, we can also unravel many of the complexities that reside within contemporary human nature. This objective has fueled archaeological research and the study of ancient cultures, which have garnered substantial attention today. Since "art," in its universal definition, has served as one of the primary means for humans to express their inner desires and beliefs from the earliest times until now, studying artistic works is one of the best ways to understand ancient thought. Additionally, ancient humans developed beliefs, rituals, myths, and customs to seek peace and connect with the world's complexities—a process that continues today. This research aims to explore and introduce the thoughts of people who once lived in this country by focusing on three key areas: religious beliefs, myths, and artistic works. Numerous intellectual movements have emerged globally that connect myth and ritual, culminating in the establishment of the "Myth and Ritual School" in 20th-century Europe, where scholars engaged in discussions and exchanges on these topics.

A significant part of the available information about Zoroastrianism and its doctrines relies on secondary sources, such as accounts by non-Zoroastrian writers in Greek, Latin, Syriac, Armenian, Arabic, or even Persian. Direct reference to the Avesta and the actual practice of religious rituals is comparatively rare. Thus, first-hand examination of texts, customs, and rituals holds special importance. In line with this approach, the present study aims to explore the ideas and beliefs underlying sacred tools and vessels used in Zoroastrian rituals by analyzing their shapes, forms, and artistic manifestations. The focus will be on the Yasna ceremony, which continues to be performed in Iran. However, given the scarcity of resources on the subject, attention will also be directed toward Yasna rituals held by Parsees in India, as well as those previously performed in Iran.

Method: The methods employed include observation, study, and mythological, ritualistic, and artistic analysis. The observation or fieldwork section focuses on examining the Yasna recitation rituals in Tehran, Iran. This category also includes capturing images and conducting interviews with the Mobeds (Zoroastrian priests) who perform the ceremonies, carried out by the author. In the library research section, we have explored the intellectual background that contributed to the formation of the current Avesta recitation rituals and the tools used within them. Finally, the analytical section seeks to uncover the myths embedded behind the appearance of ritual vessels and tools.

Cite this article:

Latifpour, S. (2024). Manifestations of Myth in Art: An Investigation of Ritual Tools and Vessels in the Yasna Ceremony. *Interdisciplinary Researches of Art*, 2(2), 119-138. doi: 10.22124/ira.2024.28829.1034

Conclusion: According to the Myth and Ritual Theory, the rituals of any ancient society play a crucial role in expressing the myths, thoughts, and worldviews of its people. By applying this theory to Zoroastrian religion and rituals, it becomes possible to explore and draw conclusions about this particular mindset. Zoroastrian rituals, especially their liturgical ceremonies, are highly meticulous and demanding, requiring specific tools, vessels, actions, and prayers for their proper execution.

One way to approach the profound essence of Zoroastrian thought is by studying the ritual vessels and instruments. Although it may seem unusual at first glance, each item used in Zoroastrian rituals, as well as every ritual act associated with them, has a mythological background. In summary, they represent a symbolic form of a greater truth and even assist in establishing cosmic order.

License

This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)



Copyright © Authors



جلوه‌هایی از اسطوره در هنر: بررسی برخی ظروف آیینی در مراسم یسناخوانی

صبا لطیف پور^۱

۱. استادیار گروه تاریخ هنر، پژوهشکده هنر، فرهنگستان هنر، تهران، ایران

* نویسنده مسئول: sabalatifpour@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
پژوهش‌های میان‌رشته‌ای هنر، ۱۴۰۳، دوره ۲، شماره ۲، صفحات ۱۱۹-۱۳۸ تاریخ دریافت: ۹ آبان ۱۴۰۳ تاریخ بازنگری: ۴ آذر ۱۴۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۸ آذر ۱۴۰۳ تاریخ انتشار: ۱۸ آذر ۱۴۰۳ مقاله پژوهشی کلید واژه‌ها: یسناخوانی، آیین، اسطوره، ابزار آیینی، نظم کیهانی	با در نظر گرفتن این امر که هنر در طول تاریخ همواره یکی از قالب‌هایی بوده که بشر تفکرات خود را از طریق آن منعکس می‌ساخته است، یکی از راه‌های شناخت اندیشه‌های انسان در دوره‌های گذشته بررسی آثار هنری برجای‌مانده است. آثار هنری کاربردی یا به عبارتی ابزارهایی با جلوه‌های هنری از مفیدترین سوژه‌های بررسی برای تدقیق در اندیشه بشر در طول تاریخ هستند. هدف پژوهش حاضر درک اندیشه‌های اساطیری دین زرتشتی از طریق بررسی ظروف مورد استفاده در آیین یسناخوانی است که یکی از مهم‌ترین آداب دینی جمعی زرتشتیان به‌شمار می‌آید. پرسش‌های پژوهش عبارتند از اینکه ابزار آیینی در مراسم خوانش یسنا چه اندیشه‌های اساطیری را برای ما آشکار می‌کنند؛ و اینکه چگونه می‌توان از پس نمودهای عینی اندیشه‌ها در مراسم مذکور به باورهای نهفته در آنها پی برد. روش‌های مورد استفاده عبارتند از مطالعه میدانی؛ شرکت در مراسم خواندن اوستا، تهیه عکس از ابزارها و مصاحبه با موبدان برگزارکننده مراسم؛ مطالعه کتابخانه‌ای؛ بررسی پیشینه باورهای زرتشتی، شناخت اساطیر زرتشتی؛ و در نهایت بررسی تحلیلی برای شناخت شیوه‌های جلوه‌ اسطوره‌ها و باورها در ابزار آیینی است که در متن مقاله پس از معرفی هر کدام از ابزار آیینی آمده است. با بررسی‌های انجام‌شده امکان درک اسطوره‌های جاری در اندیشه پیروان آیین زرتشتی از ابتدای شکل‌گیری این دین و آیین‌هایش از طریق مطالعه ظروف مذکور تا حد زیادی ممکن شد. از یافته‌های تحقیقی می‌توان به این اشاره کرد که زرتشتیان چگونه در آیینی که آن را راهی برای کمک به برقراری نظم جهانی می‌دانسته‌اند، عناصری را گنجانده‌اند که در راستای هدف برگزاری آن مراسم، یعنی همان برقراری نظم کیهانی باشد. آیین‌های زرتشتی و به‌خصوص آیین‌های نیایشی آن، آیین‌هایی بسیار پرزحمت و دقیق‌اند و به ابزار و آلات و ظروف و اعمال و نیایش‌های خاصی برای برگزاری آنها نیاز است. شاید در نگاه اول عجیب به‌نظر برسد اما هر کدام از قطعات موجود در آیین‌های زرتشتی و نیز هریک از اعمال آیینی مرتبط با آنها از پیشینه‌های اساطیری برخوردار است و درواقع شکلی نمادین از حقیقتی عظیم‌تر محسوب می‌شود. ارجاع به این مقاله: لطیف پور، صبا. (۱۴۰۳). جلوه‌هایی از اسطوره در هنر: بررسی برخی ظروف آیینی در مراسم یسناخوانی. پژوهش‌های میان‌رشته‌ای هنر، ۲(۲)، ۱۳۸-۱۱۹. doi: 10.22124/ira.2024.28829.1034

بیان مسئله

درک اندیشه‌های انسان‌های دوره‌های پیشین یکی از دغدغه‌های بشر امروزی است. با راهیابی به شیوه تفکر انسان کهن و درک تفاوت‌ها، شباهت‌ها و خط سیر زندگانی و باورهای اوست که می‌توانیم بسیاری از پیچیدگی‌های درونی بشر امروزی را نیز درک کنیم. در این راستا است که تحقیقات و مطالعات باستان‌شناسی و فرهنگ‌های باستانی شکل گرفته و امروزه بسیار مورد توجه واقع شده است. از آنجا که «هنر» در تعریف جهانی آن از ابتدا تا به امروز اصلی‌ترین راه برای انسان جهت ابراز امیال و باورهای درونی‌اش بوده، یکی از بهترین راه‌های شناخت اندیشه‌های وی مطالعه آثار هنری است. گذشته از آن، انسان در دوران کهن، برای رسیدن به آرامش و یافتن رابطه پیچیدگی‌های جهان، باورها، آیین‌ها، اسطوره‌ها و آداب و ویژه خود را خلق کرد و ادامه این روند تا کنون نیز قابل مشاهده است. در تحقیق پیش‌رو با استفاده از این سه مقوله مهم، یعنی باورهای آیینی، اساطیر و آثار هنری، تلاش بر این است بخشی از اندیشه‌های مردمانی که پیشتر در این سرزمین می‌زیسته‌اند شناخته و شناسانده شود. در این راستا و در برقرار ساختن ارتباط میان دو مبحث اسطوره و آیین، جنبش‌های زیادی در جهان اتفاق افتاده است، تا جایی که مکتبی تحت‌عنوان «مکتب اسطوره و آیین» در قرن بیستم در اروپا شکل گرفت و اندیشمندان مختلفی پیرامون این قضیه به بحث و تبادل نظر پرداختند. بخش زیادی از منابع ثانوی هستند؛ مانند گزارش‌های نویسندگان غیرزرتشتی و در مطالعات مورد استفاده قرار می‌گیرند، برگرفته از منابع ثانوی هستند؛ مانند گزارش‌های نویسندگان غیرزرتشتی به زبان‌های یونانی، لاتین، سریانی، ارمنی، عربی یا حتی فارسی و کمتر به متن اوستا و برگزاری آیین‌های دینی به‌طور مستقیم پرداخته می‌شود. در چنین فضایی بررسی دست‌اول متون، آداب و آیین‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در همین راستا در مطالعه حاضر تلاش بر این است تا به‌طور خاص با استفاده از اشکال، فرم‌ها و جلوه‌های هنری ظروف آیینی که در مراسم زرتشتیان کاربرد دارند، به اندیشه‌ها و باورهایی که موجب شکل‌گیری آنها شده‌اند نزدیک شد. تکیه بر آیینی از خواندن یسنا است که امروزه در ایران برگزار می‌شود، اما به سبب کمبود منابع در این زمینه آیین‌های یسناخوانی در هند و نیز آدابی که پیشتر در ایران برگزار می‌شده‌اند نیز مد نظر قرار می‌گیرند.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

اساس مطالعه حاضر بر این اندیشه استوار است که ظروف آیینی زرتشتی، و به‌طور خاص ظروف مورد استفاده در آیین خواندن یسنا، هریک بیانگر اسطوره‌ای هستند که می‌توان آن را ورای ظاهر ساده یا پیچیده آنها جست‌وجو کرد. اندیشه‌های مردم دوران باستان نزد ما انسان‌های قرن حاضر تا حد زیادی ناشناخته است و ناشناخته باقی خواهد ماند و هر نظریه‌ای که در این زمینه طرح شود، حدس و گمان بوده و راهی برای اثبات و یا رد قطعی آن وجود ندارد.

اصل نظریه ارتباط تنگاتنگ اسطوره‌ها و آیین‌ها با یکدیگر تحت‌عنوان «مکتب اسطوره و آیین» نزد تاریخ‌شناسان شناخته شده است. این مکتب به دو جنبش تقریباً همزمان در بریتانیا و اسکالندیناوی گفته می‌شود که در ربع

دوم قرن بیستم در این دو منطقه شکل گرفتند. جنبش اول بزرگ‌تر و شناخته‌شده‌تر بوده و با نام «هوک»^۱ از دانشگاه لندن پیوند خورده است. این تفکرات نو در نتیجه شناخت تازه‌ای از ابعاد آیینی زندگی مردمان دوران باستان و نیز خوانده شدن تعدادی از متون تازه کشف شده، حاصل شد. این جنبش از همان زمان، به سبب تلاشی که برای نشان دادن نقش فراگیر و اساسی آیین‌ها و اعمال آیینی در جوامع باستانی و اثبات جدایی‌ناپذیری آداب آیینی از زندگی مردم باستان داشت، به درستی «مکتب اسطوره و آیین» نام گرفت. ادیان باستانی خاورمیانه در این مکتب اهمیت زیادی دارند، زیرا بسیاری از کاربردهای یافته‌های آن از طریق مطالعه دست‌نوشته‌های عبری عهد جدید به دست آمده بود. مطابق ایده نظریه پردازان «مکتب اسطوره و آیین»، مراسم و واژگانی که آن را همراهی می‌کنند، هسته اصلی خودآگاهی یک جامعه باستانی را تشکیل می‌دهد. در شکل‌گیری مکتب اسطوره و آیین، عوامل متعددی مؤثر بودند، از جمله گردآمدن اطلاعات در مورد مراسم دینی توسط قوم‌شناس و انسان‌شناس معروف جیمز فریزر^۲ که در کتاب‌های چندجلدی خود (The Golden Bough, 12 vols., 1911-1915) به شرح و معرفی آنها پرداخت و داده‌های تطبیقی گسترده‌ای فراهم آورد. مطالعات تخصصی در مورد جنبه‌های اجتماعی و روانشناختی جامعه باستانی یهود، به ویژه اثر محقق دانمارکی پدرسون^۳ (Israel, Its /Life and Culture, 2 vols., 1926-1940) تأثیرات بسیاری در بریتانیا و اسکاندیناوی بر جای گذاشت. تأثیر دانشمندانی چون مانهاردت^۴ آلمانی و مطالعات وی بر اعمال آیینی و ارتباط آن با کشاورزی و سال کشاورزی؛ و نیز گرونیک^۵ دانمارکی و تأثیرات عمیق او بر شکل‌گیری این مکتب و مطالعه دینامیسم و قدرت زندگی آیینی با اعمال آیینی چندلایه را نیز نباید از نظر دور داشت. هر دو شاخه این مکتب از اثر هرمان گونکل^۶ بنیانگذار اصلی شیوه شکل‌گیری نقد^۷ سرچشمه گرفتند. او یک متخصص عهد عتیق بود که کارش بر پایه مطالعه روی عهد عتیق در مراسم آیینی خاور نزدیک باستان قرار داشت، اما زیگموند مووینکل^۸ نروژی نخستین کسی بود که درک گونکل از داده‌های آیینی را در یک رشته مطالعات (Psalm-Studien, 4 vols. 1921-1925) به کار برد. «آیین و اسطوره» در بریتانیا در مقطعی اتفاق افتاد که در آن دانشمندان در حین استقلال نسبی از یکدیگر، به همکاری و تبادل اطلاعات با یکدیگر می‌پرداختند. نیروی محرکه این مکتب هوک استاد قدیمی مطالعات «عهد عتیق» در دانشگاه لندن بود. او سری مطالعاتی را تألیف کرد که حاصل بیست و پنج سالی بود که با همکارانش در جست‌وجوی ارتباط میان اعمال آیینی و کلماتی بود که حین آیین‌ها خوانده می‌شدند، یا به عبارتی همان اساطیر، یا «سرودهای آیینی» مراسم عبادی^۹. نخستین آثار در این زمینه اسطوره و آیین^{۱۰} و لایبرنت^{۱۱} بودند که به ترتیب در سال‌های ۱۹۳۳ و ۱۹۳۵ به چاپ رسیدند. موضوع دو کتاب مذکور آیین‌های مردمان بین‌النهرین، مصر، آناتولی و کنعان باستان است که به اسطوره و آیین‌های مربوط به قوم یهود باستان و اوایل دوران مسیحیت نیز می‌پردازد. سومین جلد تحت عنوان اسطوره، آیین و سلطنت^{۱۲} دربردارنده مقاله‌ای از راوی^{۱۳} بود تحت عنوان «آیین و پیامبران عبری»^{۱۴}. برنسون^{۱۵}، از اندیشمندان این حوزه، انتقادات زیادی به این مکتب وارد کرد و به مغایرت‌هایی در نوشته‌های حتی خودش پرداخت. یکی از دغدغه‌های اصلی مکتب بریتانیایی پرداختن به این نکته بود که اعمال آیینی و بن‌مایه‌های اساطیر و حماسه‌های خاور نزدیک باستان ریشه در کتب مقدس عبری دارند. مثلاً بازسازی جشن سال نو یهودی باستان و گمان‌های نهفته در پس آن: ازبرخوانی

داستان آفرینش؛ تحقیر و کشتن آیینی شاه؛ نزول شاه به دنیای زیر زمین؛ رستاخیز از مرگ و تجدید تاجگذاری؛ ازدواج مقدس پادشاه و همسرش، به عنوان زوج مقدس؛ بازسازی کیهان و نظم جهانی؛ و از برخوانی قانون مقدس. در شاخه اسکاندیناوی که دانشمندان آن کمتر از متخصصان مکتب بریتانیایی با یکدیگر مشارکت داشتند نیز مقدار زیادی از دورنمای فکری خود را از اثر هرمان گونمک^{۱۶} و نخستین آثار موینکل برگرفتند. دیگر آثاری که بر مکتب اسکاندیناوی تأثیر مهمی بر جای گذاشتند عبارت بودند از شموت^{۱۷} ۱-۱۵ اثر پدرسون که نویسنده در آن فصول مذکور از کتاب مقدس را به عنوان متنی برای همراهی با جشن پسخ^{۱۸} در سرزمین یهود قدیم می‌شناسد. اثر دانشمند سوئدی نیبرگ^{۱۹} به نام کتاب هوشع نبی^{۲۰} نیز تأثیر فراوانی بر مکتب اسکاندیناوی بر جای گذاشت. این اندیشمند مطالعات بسیار مفیدی نیز در زمینه ایران‌شناسی داشت و آثار مهمش همچنان مورد استفاده پژوهشگران است. نیبرگ در مطالعاتی بر کتاب هوشع نبی (۱۹۳۵) در این مورد به بحث پرداخته است که کتاب هوشع نبی احتمالاً تا زمان تبعید بابلیان به صورت شفاهی حفظ شده بود، وی همچنین معتقد به سنت شفاهی در خاور نزدیک باستان بود. نیبرگ در مورد اهمیت جامعه یهود باستان در حفظ گفتار بزرگان و استفاده مجدد از آن در آیین و فرهنگ سخن گفت، او نیز مانند پدرسن بدگمانی خود را نسبت به رویکرد «کتاب‌زده» محققان اروپای غربی و امریکای شمالی بیان می‌کرد. تطبیق نیبرگ میان آیین‌های عبری با اعمال آیینی اعراب نخستین نیز در آثار بعدی اندیشمندان این وادی بسیار مفید واقع شد. در ادامه آلفرد هالدار^{۲۱} به بررسی ارتباط میان پیامبران باستانی و آیین‌ها پرداخت و به این نتیجه رسید که گرچه پیامبران اغلب منتقد آداب و آیین‌های زمان خود بوده‌اند، اما خود محصول این آیین‌ها به شمار می‌روند. آگن بنتسن^{۲۲} در یکی از تأثیرگذارترین نوشته‌های خود به نام «شاه و مسیح» (King and Messiah, 1955) به این موضوع پرداخت که نوشته‌های آخرالزمانی نمود آیین پادشاهی، تأثیر خود را تا هنگامی که مسیح‌باوری اسرائیلی گسترش یافت نیز ادامه داد. ریچارد ریتسنشتین^{۲۳} در سال ۱۹۷۸ کار مشابهی در مورد آیین‌ها و آداب ادیان هلنیستی انجام داد، مطالعه او بر ارزیابی «عهد جدید» بر اساس بازتاب اعمال آیینی متمرکز بود. فرانک لزی کراس^{۲۴} نیز تفسیر مفصلی بر «نخستین نامه پیترو» در ۱۹۵۴ نوشت. ایوان انگنل^{۲۵} و زیگموند موینکل به طرق کاملاً متفاوتی مکتب اسطوره و آیین را در اسکاندیناوی به مرحله جدیدی رساندند. انگنل طرفدار شدید آیین شاه‌محور یا آیینی بود که در آن شاه نقش مرکزی را بر عهده دارد. اغراق احتمالی او در مورد صحت سنت شفاهی سبب شد تا واکنش‌هایی بر ضد کل مکتب شکل بگیرد. مثلاً مارتین نوت^{۲۶} در مقاله‌ای تحت عنوان «خدا، شاه و ملت» (1966) نقش شاه در آیین یهودی را به کلی زیر سؤال برد. موینکل در اثر سترگ خود^{۲۷} (1955) در مورد موعودگرایی اسرائیلی انتقادی را نسبت به آثار مکتب اسطوره و آیین در هر دو شاخه بریتانیایی و اسکاندیناویایی مطرح کرد. در همان زمان جنو ویدنگرن^{۲۸} مطالعات تخصصی خود را در مورد ارتباط اسطوره و آیین با استناد به چشم‌انداز مکتب اسطوره و آیین ادامه داد و روشن ساخت این نظرگاه در بیشتر مواقع از آزمون زمان سربلند بیرون آمده است. با وجود ضعف‌هایی که در این نگرش وجود داشت و دانشمندانی چون هنری فرانکفورت، مارتین نوت و بسیاری دیگر به آن اشاره کرده‌اند، نتیجه کار اندیشمندان مکتب اسطوره و آیین در مجموع مثبت بود. مکتب اسطوره و آیین نقد مؤثری بر طرح‌طورگرایانه مطالعات ادیان ارایه کرد؛ و به این مسئله

پی برد که باید آداب و آیین‌های حقیقی یک دین را نیز دست‌کم به اندازه میراث نوشتاری آن جدی گرفت؛ رویکرد تطبیقی آن پا بر جا ماند و تبدیل به یکی از مشخصه‌های اصلی مطالعات ادیان شد؛ به گسترش دید اندیشمندان در زمینه مطالعات تاریخی، تطبیقی، ساختاری و روشمند ادیان گشت؛ متخصصانی با پیش‌زمینه‌های بسیار مختلفی را برای پیشبرد یک کار تیمی یا همکاری‌های دورادور بر روی مسائل پیچیده متعدد گرد هم آورد تا تفسیرهای خلاقانه و جامعی برای ویژگی‌های اصلی دین، به‌ویژه ادیان ناحیه شرق مدیترانه و بین‌النهرین، ارایه دهند (Harrelson, 1995, 282-285).

مقایسه متون در مطالعات دینی نیز در مکتب اسطوره و آیین از اهمیت خاصی برخوردار است. مقایسه متون نه تنها به محققان کمک می‌کند تا اعمال آیینی را بهتر درک کنند، بلکه این قابلیت را نیز دارد که آنان را قادر به درک مفهوم متن به عنوان یک اثر ادبی سازد. درست است که داستان آفرینش با اعمال آیینی ارتباط نزدیک دارد، اما خارج از آن نیز استفاده خود را دارا است. دعاها و سرودهای بزرگ جهان باستان متون آیینی هستند که به این جهت مورد استفاده قرار می‌گیرند که اجتماع در بازسازی و از نو بناکردن جهان خود مشارکت داشته باشد، اما حیات مستقل خود را نیز دارند. این متون آیینی، درک، چشم‌انداز و جهان‌بینی مردم دوران باستان را به ما شناسانده و حقایق اصلی که زندگی اجتماعی آن مردم بدان وابسته بوده را روشن می‌سازد.

روش پژوهش

شیوه‌های مورد استفاده شامل مشاهده، مطالعه، بررسی و تحلیل‌های اسطوره‌شناختی، آیینی و هنری است. در بخش مشاهده که بخشی از مطالعه میدانی است، به بررسی آداب خواندن یسنا در تهران پرداخته شده است. تهیه تصاویر و مصاحبه با موبدان برگزارکننده مراسم توسط نگارنده نیز در این زیرگروه قرار می‌گیرد. در بخش مطالعات کتابخانه‌ای به شناخت پیشینه تفکراتی پرداخته شده است که سبب‌ساز شکل‌گیری آیین فعلی خواندن اوستا و ابزارهایی شده‌اند که در آن مورد استفاده قرار می‌گیرند. در نهایت در بخش تحلیلی تلاش شده است به اسطوره‌های نهفته در پس ظواهر ظروف و ابزارهای آیینی نزدیک شد.

یافته‌ها و بحث

آیین خواندن یسنا

هنگامی که از ابزار و آلات مراسم دینی زرتشتی سخن می‌رود، جا دارد به این نکته اشاره شود که ابزار اصلی آیین‌های زرتشتی کلمات هستند. مراسم زرتشتی اتفاقاتی گفتاری‌اند که عمدتاً شامل متون از برخوانده‌شدنی هستند. آداب زرتشتی با محوریت ازبرخوانی متون مقدس بدین سبب طراحی شده‌اند که به آفرینش نیک، گسترش آن و برقراری نظم در جهان یاری رسانند. در اغلب این آیین‌ها متن اوستا خوانده می‌شود و اعمالی آیینی طی برخوانی آن انجام می‌گیرد. بر زبان آوردن متن مقدس از اهمیت خاصی در دین زرتشتی برخوردار است. اساساً در ایران کهن سنت شفاهی حاکم بوده و کلمات از ارزش خاصی برخوردار بوده‌اند. این سنت شفاهی تا بدانجا نفوذ داشته که زرتشتیان

سالیان سال متن کتاب دینی خود یعنی اوستا را به صورت شفاهی انتقال داده و از نوشتن آن پرهیز کرده‌اند. متن این کتاب تنها زمانی به نگارش در آمد که دیگر حفظ کردن آن برای موبدان دشوار شده بود و بیم آن می‌رفت که متن به طور کلی از دست برود. امروزه در مراسم، متن اوستا از روی کتاب خوانده می‌شود و اعمال آیینی همزمان با آن انجام می‌گیرد. چگونگی، نحوه و زمان انجام اعمال آیینی مذکور طی مراسم در نوشته‌هایی به نام «نیرنگ»، گاه در لابه‌لای متن اوستا و گاه در کتابچه‌ای جداگانه، برای راهنمایی موبدان آمده است. آدابی که به یسناخوانی یا یزشن معروف است، آیینی است که در آن بخش یسنا از متن اوستا خوانده می‌شود. این آیین با قدمت چند هزار ساله، همچنان در ایران و هند در حال اجرا است، اما اجرای آن نسبت به گذشته بسیار محدود شده است. همچنین بسیاری از جنبه‌های آن ساده‌سازی شده است، اما خوشبختانه ظروف و ابزار آیینی که در این مقاله بررسی شده‌اند، همچنان مورد استفاده هستند. در ایران تا زمان ساسانیان دینداران زرتشتی آیین مورد نظر را بدون تغییر حفظ کردند و حتی موبدان حواشی و سخت‌گیری‌هایی در مورد نحوه اجرا به آن افزودند. اما با استقرار اسلام به عنوان دین رسمی کشور و افزایش فشارهای اجتماعی و اقتصادی بر زرتشتیان، آیین‌های آنان رو به اختصار رفت. پس از مهاجرت پارسیان به هند، تقابل میان زرتشتی‌گری و آیین هندو به علت تفاوت‌های ذاتی که با هم داشتند، بسیار زیاد بود. در زمان جدید با توجه به تغییراتی که هر دو دین به خود دیده‌اند و نیز افزایش انعطاف‌پذیری در آنها، این تضاد به شدت سابق نیست (Hartman, 1980, 12-14). اما آیین‌های دینی زرتشتی در ایران و هند اشکالی تا حدودی متفاوت به خود گرفته‌اند. شیوه‌های متفاوت اجرای آیین دینی در ایران و هند احتمالاً یک ظهور جدید بوده و بازتاب اصلاحات دینی اجرا شده توسط استعمار در هند و ملی‌گرایی در ایران است (Ringer, 2011; Stusberg, 2012). به طور خلاصه می‌توان گفت آنچه به عنوان آیین یسناخوانی شناخته می‌شود و در ایران و هند نیز مشترک است، مراسمی با خواندن یسنا با ترتیبی خاص و انجام آداب نیایشی خاص حین برخوانی است.



شکل ۱. برگزاری مراسم یسناخوانی و اجرای اعمال آیینی، عکس: نگارنده

ظروف و ابزار مورد استفاده در آیین یسناخوانی و نمادشناسی اساطیری آنها

شیوه تقسیم‌بندی ظروف و ابزار در مطالعه حاضر بر اساس جنس ابزار است. به دو جهت این شیوه انتخاب شده است. یکی اینکه نسبت به دیگر شیوه‌های تقسیم‌بندی جامع‌تر است و دوم اینکه هر عنصر یا ماده در اندیشه زرتشتی و اساطیر پنهان در پس آن معنا و مفهوم خاص خود را دارد و با این طبقه‌بندی می‌توان در هر بخش به بررسی ضمنی معانی اساطیری این عناصر نیز پرداخت. پس ابزار آلات و ظروف آیینی بدین ترتیب دسته‌بندی شده‌اند:

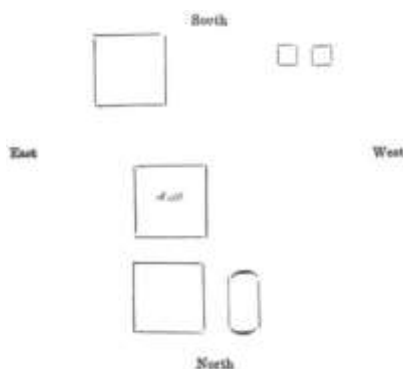
۱) ابزار سنگی (۲) ابزار فلزی (۳) ابزار آلی (۴) آتش

معرفی یکایک ابزارآلاتی که در مراسم خواندن یسنا به کار می‌روند و در پی آن بررسی آیینی. اساطیری آنها در یک مقاله نمی‌گنجد. در نتیجه تلاش می‌شود با معرفی مهم‌ترین ابزار دارای مفاهیم نمادین دیدی کلی به دست داد. آیین یسناخوانی با اندیشه مهمی که در پس آن قرار دارد یعنی برقراری نظم جهانی، یکی از مهم‌ترین و مفصل‌ترین آداب زرتشتی است، مراسم جزییات بسیاری دارد و ابزارهای بسیاری در آن به کار می‌روند؛ بنابراین پرداختن به تمامی آنها و کاربردهایشان بسیار مطول خواهد شد. در نتیجه تحت همین تقسیم‌بندی اصلی به صورتی خلاصه به بررسی آنها پرداخته می‌شود.

۱. ابزار سنگی

ابزار سنگی مورد استفاده در آیین‌های دینی زرتشتی، «خوان» نامیده می‌شوند. تمامی لوازمی که در طول مراسم مورد استفاده قرار می‌گیرند روی آنها پهن می‌شوند. این همان واژه‌ای است که در فارسی امروز «خوان» به معنی سفره از آن باقی مانده است. «خوان» از سنگ معمولی یا سنگ مرمر بریده می‌شود.

«آلات (نو) خوان»^{۲۹} یا «آلات گاه»؛ تخته برای ابزار: این همان خوان اصلی است، چراکه به عنوان میز، سفره یا خوانی به کار می‌رود که موبد تمام ظروف مربوط به فدیة، جام‌ها و دیگر ابزار را روی آن قرار می‌دهد.



شکل ۲. جایگاه برگزاری مراسم (Modi, 1937)

آلات نو خوان یا آلات گاه نماد زمین است و به عبارتی زمین در مراسم به صورت این میز سنگی حضور می‌یابد که باید چهارگوش باشد زیرا زمین به صورت چهارگوش تصور می‌شده است. برخی مانند بویس نیز معتقدند کل پاوی یا زمین مستطیل شکل پاکی که مراسم در آن انجام می‌شود، نماد زمین است (Boyce, 1998, 88-89)، اما نکته حائز اهمیت آن است که زمین در این مراسم به صورت چهارگوشی سنگی حاضر است.

۲. ابزار فلزی

۲-۱. **ماهروی:** ماهروی، از دو پایه فلزی با بلندی حدود ۲۰ سانتی‌متر تشکیل شده است، علت اینکه این پایه‌ها این‌گونه نامیده می‌شوند شباهت آنها به هلال ماه است، آنها همیشه به صورت جفت به کار رفته و در مقابل هم قرار داده می‌شوند. این پایه‌ها «برسمدان» نیز نامیده می‌شوند؛ زیرا شاخه‌های برسم روی آنها قرار می‌گیرد. این دو پایه فلزی در دادستان دینیگ (فصل ۴۷، بند ۱۴) Māh-ruyo (Dadestan, 1882) نامیده شده‌اند. آنها همیشه فلزی هستند و «اورویس» یا تخته سنگ یزشنگاه یا محل برگزاری نیایش دینی یا خواندن یسنا محل اصلی قرارگرفتن آنها است. همان‌گونه که از نام آن پیداست، ماه در قالب این دو هلال فلزی یا ماهروی در مراسم حضور دارد.

اساطیر متعددی به ماه مرتبطند. ماه نماد باروری است، داستان‌های آفرینش گیاهی و آفرینش جانوری با ماه گره خورده‌اند. ماه نمادی از آب، باران و حاصلخیزی است و با رویش و سرسبزی و ایزدان و ایزدبانوان باروری در ارتباط است. ماه به سبب شباهتش به شاخ گاو با این حیوان مقدس در دین زرتشتی مرتبط دانسته شده است.

ماه نماد نوزایی و زندگی دوباره نیز است. به سبب اینکه ماه هر شب تغییرشکل داده و به تدریج به سمت هلال شدن یا ماه کامل شدن می‌رود، انسان باستانی روایت‌های متفاوتی برای این پرو خالی شدن ماه در ذهن خود ساخت که تقریباً همگی با نوزایی و در بسیاری از موارد با رستاخیز مرتبط بودند. ماه همچنین به سبب دور از دسترس بودن و رنگش نماد پاکی دانسته می‌شد. ماه با فره‌مندی و دانایی نیز در ارتباط است. ماه در نبود اصلی‌ترین منبع روشنایی یعنی خورشید به زمین و آفریدگان نور می‌تاباند و به همین سبب نزد زرتشتیان که در نظرگاهشان نور ارزش بسیاری دارد عنصری محترم به شمار می‌رود.



شکل ۳. ماهروی یا برسم‌دان (URL 1)



شکل ۴. هلال ماه (URL 2)

۲-۲. **هاون و دسته هاون:** یکی از آیین‌های بسیار مهم در دین زرتشتی که خود بخشی اصلی از بسیاری از آیین‌ها را تشکیل می‌دهد، آماده‌سازی و بزرگداشت «هوم» است. هاونی که شاخه‌های گیاه در آن کوبیده می‌شود، مهم‌ترین بخش آلات آیینی مربوط به هوم را تشکیل می‌دهد. این وسیله «هاونیم» یا «هاون» نامیده می‌شود. در وندیداد نیز به آن اشاره شده است (فرگرد ۱۴، بند ۸). این وسیله مطابق *وستا* (وندیداد ۱۴ بند ۱۰ و یسنا ۲۲ بند ۲ و ویسپرد ۱۰، ۲) ممکن است از سنگ یا آهن ساخته شده باشد اما امروزه «هاونیم» فلزی در مراسم مورد استفاده قرار می‌گیرد. «دسته» یا «لالو» یا «لالا» وسیله‌ای است که با آن ساقه‌های هوم را در هاون می‌کوبند. همین وسیله است که موبد در مراسم تهیه هوم، با کوبیدن آن به «هاونیم» صدای زنگ ماندنی ایجاد می‌کند. هاون و دسته هاون که امروزه فلزی هستند، در گذشته اغلب از سنگ ساخته می‌شده‌اند.



شکل ۶. هاون و دسته هاون فلزی امروزی عکس: نگارنده



شکل ۵. هاون و دسته هاون سنگی قدیمی (Modi, 1937)

درباره هاون در این مراسم و آدابی که با استفاده از آن اجرا می‌شود اساطیر بسیاری شکل گرفته است. ضربه‌زدن به هاون فلزی ضمن ساییدن و صاف کردن هوم، یادآور پندار، گفتار و کردار است که اخلاق دیانت زرتشت بر پایه آن بنا

شده است. دادستان دینیگ در این باره می‌گوید: «هاون فلزی که در حین فشردن هوم به آن ضربه زده می‌شود و صدای آن که همراه با واژه‌های *اوستا* برمی‌خیزد، یادآور پندارها، گفتارها و کردارها در مورد آمدن این فرستادگان به دنیا است» (Modi, 1937, 312-313).

نبرد علیه دئوها در ایران و اسوره‌ها در هند با ضربه‌زدن به هاون یا به صدا درآوردن زنگ پیش می‌رود (Duchesne-141-140, 2006, Guillemin). در ایران طنین صدای کوبیدن دسته‌هاون به هاون و نیز صدای زنگی که در آتشکده قرار دارد و در خلال مراسم هرچند وقت یک‌بار به صدا در می‌آید، پندارها و گفتارها و کردارهای بد را دور می‌کند. به عبارت دیگر موبد با کوبیدن دسته‌هاون به هاون، به شکل نمایشی وارد نبرد میان نیکی و بدی می‌شود و با هر ضربه، انگره مینیو را فرو می‌کوبد (Settegast, 2005, 67). در هند همچنین باور بر این است که هنگامی که گیاه سومه با سنگ در هاون کوبیده می‌شود صدای بلند هاون و سنگ باعث دورشدن اثرات شیطانی میشود (Macdonell & Keith, 1967, Vol 2, 475). در هند و در مراسم نیایش هندی که هاون‌ها روی زمین قرار داده می‌شود، زیر آنها چاله‌هایی در زمین کنده می‌شود تا طنین صدای کوبیدن را چند برابر کند.

۲-۳. برسم^{۳۰}: برسم بخش مهمی از ابزار آیینی را تشکیل می‌دهد. در مراسم جدید، برسم فلزی جایگزین برسم گیاهی کهن شده است. به همین دلیل آن را ذیل ابزار فلزی طبقه‌بندی می‌کنیم، اما اگر می‌خواستیم مطابق روش اصلی و کهن به دسته‌بندی بپردازیم، بهتر می‌بود تا برسم را ذیل ابزار آلی بیاوریم. ریشه واژه که از بالیدن و رشد کردن می‌آید نشان می‌دهد که برسم‌های اولیه از جنس گیاه بوده‌اند، در خود اوستا نیز تأکید شده است که برسم باید از جنس نباتات باشد. نوشته‌ها و توصیفات نویسندگان کهن نیز این مطلب را برای ما بار دیگر روشن می‌سازد. نویسندگانی مانند استرابو^{۳۱} به برسم و شاعرانی مانند فردوسی به مراسم اشاره کرده‌اند و حتی در «عهد عتیق» نیز از آن صحبت شده است.

برسم که شامل شاخه‌های گیاهان بوده، کاربرد خاصی در مراسم داشته است. ظاهراً از ریختن و گستردن برسم بر روی زمین به عنوان درست‌کردن جایگاهی برای فدیها در مراسم استفاده می‌شده است. ریشه چنین استفاده آیینی از برسم به زمان آریاییان باز می‌گردد. بنابراین می‌توان گفت سبزه‌هایی که زیر قربانی می‌انداختند، ابتدایی‌ترین گونه برسم است که اکنون نقش آن تغییر شکل داده و حضور آن با کاربرد دیگری در مراسم حفظ شده است.

برسم شاخه‌های کوچک درخت خاصی است که در مراسم آیینی استفاده می‌شود. در کتاب‌های متأخر آمده است که این شاخه‌ها ممکن است از درخت انار یا درختی که به درخت «چینی»^{۳۲} معروف است، چیده شود. اما خود *اوستا* هیچ درخت خاصی را مشخص نمی‌کند، تنها به‌طور کلی اشاره می‌کند که برسم باید از درخت به دست بیاید (یسنا، ۲۵، بند ۳). متن پهلوی *شایست ناشایست* نیز بدون مشخص کردن درخت، می‌گوید شاخه‌های درخت مخصوص باید مورد استفاده قرار گیرد. اما امروزه به جای ترکه‌های درخت، سیم‌های فلزی به کار می‌رود که معمولاً از جنس برنج و گاهی از نقره است. بلندی آنها حدود ۲۰ سانتی‌متر و قطر آنها حدود ۳ میلی‌متر است. هرکدام از این سیم‌ها،

«تائه»^{۳۳} و در فارسی «تائی»^{۳۴} نامیده می‌شود. به نظر می‌رسد رواج استفاده از سیم‌های فلزی در هزار سال اخیر رخ داده است، چرا که در *دستان دینیگ* (فصل ۴۷، بند ۱۷) (Dadestan, 1882). نیز همچنان از ترکه‌های گیاهی سخن به میان آمده است. تعداد ترکه‌های برسم در مراسم مختلف متفاوت است و می‌تواند از ۳ تا ۳۳ ترکه باشد (مصاحبه با موبد فیروزگری).

مراسم اصلی و کهن آماده‌سازی برسم دو مرحله داشته است: اول گردآوری برسم و دوم بستن آن. امروزه و با جایگزین شدن سیم‌های فلزی به جای شاخه‌های گیاهی، هر دوی این اعمال در یک مرحله خلاصه شده است.



شکل ۷. برسم فلزی بر برسمدان (URL 1)

می‌توان گفت برسم نماد آفرینش گیاهی است. در مراسم، آب مقدس یا آب «زئوثره» روی برسم ریخته می‌شود. این آب پاک نماد باران است که از طریق آن، جهان هدیه آب را از خداوند دریافت می‌کند. بنابراین ریخته شدن «زوهر» که نماد باران است در مراسم بر روی «برسم» که نماد گیاه است، به صورت نمادین بارور شدن جهان گیاهی با باران را تداعی می‌کند. زئوثره یا زوهر به گونه‌ای روی برسم ریخته می‌شود که تماس آنها کامل باشد و بدین ترتیب باروری کل آفرینش گیاهان و باروری خاک تضمین می‌شود. اجراکننده مراسم باید به طور مداوم در طول مراسم به برسم نگاه کند و کل آفرینش را در ذهن خود تصور نماید. این ستایش خداوند برای آفرینش، قدرت اهریمن و دیوان را در هم می‌شکند. در دینکرد می‌خوانیم که این گونه ستودن آفریدگار در روز نبرد، به سربازان نیروی خوبی می‌دهد و مانند یک نیزه خوب هدف‌گیری شده است (Dinkard, 1911) (دینکرد ۸، فصل ۲۶، بند ۲۴). پس همان‌گونه که گفته شد، برسم نماد آفرینش اهورامزدا است. شاخه‌ها یا سیم‌های جداگانه برسم نشانگر این هستند که آفرینش شامل بخش‌های مختلفی است. ایویاونگهن که شاخه‌ها یا سیم‌های برسم را به هم می‌بندد، نشانگر وحدت یا اتحاد میان این بخش‌ها است. به نظر می‌رسد مفهوم آن چنین باشد که تمام طبیعت یکی است و ما نیز با آن یکی هستیم؛ همان‌گونه که در تفسیر پهلوی آن (یسن ۹، بند ۲۶) واژه «یگانگی»^{۳۵} مشاهده می‌شود. هنگامی که ایویاونگهن به دور شاخه‌ها یا سیم‌های جداگانه برسم بسته می‌شود تا آنها را به صورت یک دسته در آورد، حقیقت یگانگی آفرینش و یگانگی طبیعت را بیان می‌کند.

۲. ابزار آلی

منظور از ابزار آلی در این مقاله آن دسته از اشیایی است که ریشه آلی (حیوانی یا گیاهی) دارند. هرچند این تقسیم‌بندی امروزه در علوم طبیعی کمتر به کار می‌رود، اما در این مبحث به سبب نگاهی که به جنس ابزار آیینی در راستای درک اساطیر مربوط به آن ابزار وجود دارد، به کار گرفته شده است.

۳-۱. **درون و فرسست یا نان‌های مقدس:** درون امروزه به نان مقدسی گفته می‌شود که در مراسم آیینی پخته می‌شود. در پهلوی یا فارسی میانه واژه drōn تنها به نان گندم و نیامده یا فتیر به شکل دایره‌های نازک گفته می‌شود. اما احتمالاً پیشتر دلالت بر انواع دیگری از خوراکی‌ها از جمله بخشی از گوشت قربانی نیز داشته است. مطابق آنچه امروزه در دین زرتشتی جای دارد درون، نان صاف و گردی است که از خمیر فتیر و کره صاف‌کرده درست می‌شود و یکی از ملزومات مراسم یسنا، ویسپرد، وندیداد و باج است. برای مراسم یسنا، ویسپرد و وندیداد يك نان لازم است. برای دیگر مراسم تعداد متفاوتی ممکن است مورد نیاز باشد.

درباره نوع درست کردن نان‌های درون و فرسست (نان‌های آیینی زرتشتی) از زمان کاشتن دانه آنها تا زمان پخت و همچنین درباره شیوه به کار بردن آنها در مراسم، در *روایت پهلوی* (Pahlavi Rivayat, 2011) (فصل ۵۸) به تفصیل توضیح داده شده است. نان برای ایرانیان قدیم غذای اصلی و مایه حیات بوده است. برای آنان «خوردن» با «نان خوردن» برابر بوده و همین امر سبب شده است که آن تقدس قدیم در مورد نان در میان مسلمانان ایران امروز نیز باقی بماند.

درون یا نان مقدسی که در مراسم آیینی زرتشتی پخته و کمی از آن خورده یا به اصطلاح چاشت می‌شود (Pahlavi Rivayat, 2011) (فصل ۵۶، بند ۱) به تقلید از جهان ساخته شده و مانند جهان گرد است می‌رود (Duchesne-Guillemin, 2006, 143). همان‌گونه که مشاهده می‌شود نمادگرایی این عنصر در متون پهلوی نیز تصریح شده است، در *روایت پهلوی* درباره درون یا نان گرد مقدس آمده است که: درون به همانندی گیتی نهاده شده و گردی آن همانند گردی گیتی است و کناره آن کوه البرز است. سوراخ میان درون به منزله انسان و ستاره و گیاه است (Pahlavi Rivayat, 2011) (فصل ۵۶، بند ۱). همچنین در مورد درون در *روایات د/راب هر مزدیار* آمده است که درون به معنای کیهان و کناره درون به معنای کوه البرز است که دور تا دور جهان کشیده شده است. این کناره‌ها را هم به کناره‌های جهان یعنی کوه البرز همانند کرده‌اند و هم به حدومرز هر چیز در جهان.

نان دیگری نیز در این مراسم وجود دارد که فرسست یا نان بدون نام است. در *روایت پهلوی* درباره فرسست، نان مقدس بدون نام، آمده است: سبب جدا نهادن فرسست (که متعلق به اهوره‌مزدا است) از درون این است که باید اهورامزدا را جدا از امشاسپندان و ایزدان ستود (فصل ۵۶، بند ۳). سبب کناره نکردن فرسست این است که هر چیز و هر کس را کناره است، اما اهورامزدا بی‌کناره است (فصل ۵۶، بند ۴). پس می‌بینیم که نمادگرایی این دو نان کاملاً با هم متفاوت است.

۲-۳. «گوشدا»: به معنی محصولی از گاو نیک آفریده که می‌تواند به معنی گوشت یا شیر باشد. گوشدایی که امروزه کاربرد دارد، کره صاف شده است و در مراسم به طور آیینی همراه درون است. قسمت کوچکی از آن روی درون قرار داده می‌شود و موبد به عنوان چاشنی تکه‌ای از آن را می‌خورد. در مراسم امروزین معمولاً گوشدا که نمادی از قلمرو حیوانی است، به شکل تکه‌ای از گوشت قربانی حضور ندارد؛ اما احتمالاً پیشتر، زمانی که «یشت با گوسفند» رواج داشته، چنین بوده و اکنون کره جایگزین آن شده است.

گوشدا نمادی از رود اساطیری ایرانی یا همان چکاد داییتی است که در میانه جهان قرار دارد، که خود نماد جهان هستی دانسته می‌شود. چکاد داییتی به سبب ارتباطش با مفهوم باستانی کوه البرز منجر به این ایده شده که محور تعادل روحانی متعلق به رشن، خدای عدالت، است.

۳-۳. هوم: واژه اوستایی haoma (سنسکریت soma، پهلوی hōm و فارسی هوم) از ریشه آریایی باستان $\sqrt{hu}$ و سنسکریت $\sqrt{su}$ به معنی کوبیدن و فشردن می‌آید. در شرایط مطلوبی که گیاهی که به عنوان هوم به کار می‌رود در محوطه آتشکده موجود باشد، گیاه پس از پاکسازی در مراسم مورد استفاده قرار گیرد، شاخه‌های گیاه موجود در آتشکده، پس از شسته شدن و چیده شدن برای مدت حداقل ۱۳ ماه و ۱۳ روز کنار گذاشته می‌شود و پس از آن به مدت چندین سال می‌توان از آنها استفاده کرد. در وندیداد (فرگرد ۶، بند ۴۲ و ۴۳) به شستن شاخه‌های کثیف هوم سفارش شده است اما امروزه برای اطمینان بیشتر، تمامی شاخه‌هایی که قرار است در مراسم مورد استفاده قرار گیرد را می‌شویند. مراسم تهیه هوم بسیار پرزحمت است و باید با دقت خاصی انجام گیرد. لوازمی از جمله «هوم»، «میزد»، «درون»، «زئوثره»، «برسم»، «گوشدا»، «اورورام»، «اسم/ائسمه» و «بوی» در تهیه هوم کاربرد دارند. هوم نقش بسیار مهمی در تمامی آیین‌های زرتشتی اعم از آیین‌های نیایشی و آیین‌های مربوط به زندگی مردمی دارد. زرتشتیان به قدرت و نیروی موجود در این نوشیدنی اعتقاد فراوانی دارند. نوشیدن آن برای افراد غیرزرتشتی جایز نیست. عقیده بر این است که نوشیدن آن بیماران را شفا می‌دهد و به بدن راستی و نیرو می‌بخشد. هوم طبق روش کاملاً پیچیده و دقیقی، همراه با خواندن بخش‌های مشخصی از اوستا تهیه می‌شود. آخرین مراسمی که در رابطه با هوم در چنین مراسمی اجرا می‌شود، نوشیدن آن است.

هوم خدای تندرستی و نیرو است. ایزد هوم به محصولات و فرزندان برکت می‌بخشد. در مورد اینکه کدامین گیاه ریشه اصلی گیاهی بوده است که در سرزمین ایران و در میان قوم زرتشتی اولیه از آن نوشیدنی هوم تهیه می‌شده است، اختلاف نظرهای فراوانی وجود دارد. حتی امروزه هم بر سر درست کردن این نوشیدنی مقدس اتفاق نظری میان موبدان در سراسر جامعه زرتشتی نیست. حتی گیاه مورد استفاده از حدود صد یا پنجاه سال گذشته تا کنون در ایران و حتی در یک آتشکده به خصوص تغییر ماهیت داده است. یکی از خواص هوم را غلبه بر دشمنی‌ها دانسته‌اند (Baldick, 2006, 129). فشردن آیینی گیاه هوم با پدیده‌های آسمانی مانند تابش خورشید و بارش باران پیوستگی دارد (Amouzgar, 2002, 33). فشردن گیاه هوم نوعی قربانی غیرخونین محسوب می‌شود. داستان‌ها و اساطیر و روایت‌های بسیاری حول گیاه هوم و همچنین ایزد هوم شکل گرفته است. معادل هندی ایزد/گیاه هوم، خدای/گیاه

سومه^{۳۶} است. هوم نماد آفرینش گیاهی است (Boyce, 1988, 88). آیین هوم با قدمت طولانی که به دوران هندی-ایرانی و حتی هندی-اروپایی باز می‌گردد، یکی از مهم‌ترین آیین‌ها نزد این قوم کهن است. آیین هوم بعدها به یک بخش ضروری در آیین‌های زرتشتی بدل شد؛ آیینی که چنانکه پیداست در ابتدا مورد انتقاد شخص زرتشت بوده است.

۳-۴. «ایویاونگهن» یا برگ درخت خرما: ایویاونگهن یک تکه از برگ درخت خرما است که به صورت رشته‌هایی در می‌آید تا به دور برسم پیچیده شود. به دلیل اهمیت ویژه درخت خرما در مراسم، هر آتشکده معمولاً باید یک یا چند درخت خرما در حیاط خود داشته باشد. یکی از این کاربردها تهیه ایویاونگهن است. موبد انتهای خشک شده برگ را می‌برد و دور می‌اندازد، سپس خود برگ را می‌برد، آن را در ظرف قرار می‌دهد، به یزشنگاه می‌برد و آن را به شش قسمت باریک‌تر تقسیم می‌کند. ابتدا آنها را به دو گروه سه‌تایی تقسیم می‌کند، سپس آنها را به صورت یک رشته به هم پیچیده و هر دو انتهای آن را گره می‌زند. آنگاه آن را در ظرف فلزی پاک‌ی قرار می‌دهد تا بعداً برای بستن برسم از آن استفاده کند.



شکل ۸. ایویاونگهن یا برگ درخت خرما که برای استفاده در مراسم پیچیده شده است، عکس: نگارنده

داستان‌ها و اسطوره‌هایی درباره درخت خرما در ایران باستان وجود دارد که آن را با بی‌مرگی و پادشاهی مرتبط می‌کند. چنین باورهایی میان دیگر اقوام مانند مصری‌ها، کلدانی‌ها و عبری‌ها، مسیحیان، اعراب و دیگران نیز درباره شکل نمادین درخت خرما وجود دارد. درضمن ایویاونگهن را نماد یگانگی دانسته‌اند که سبب به هم پیوستگی اجزای طبیعت می‌شود (برای توضیح بیشتر نک بخش برسم).

۲. آتش

در تمامی مراسم دینی زرتشتی و در تمامی نیایشگاه‌های آن آتش حضوری دائمی دارد، از آن جمله در مراسم خواندن یسنا. برای انجام مراسمی مانند یسنا، ویسپرد و وندیداد، می‌توان از هر نوع آتش خانگی (آتش معمول و نه تقدیس شده) استفاده کرد اما همه آتشگاه‌ها آتشی را به این منظور، شب و روز در یزشنگاه فروزان نگاه می‌دارند. برخی آتش را نمادی از حضور یکی از هفت آفرینش اصلی یعنی همان آتش دانسته‌اند (Boyce, 1998, 88-89) و برخی دیگر آن را نماد خورشید شناخته‌اند که همواره به شکل نمادین در صحنه اجرای مراسم آیینی حضور دارد.

هنگامی که خورشید یعنی منبع اصلی نور و گرما حضور نداشته باشد، دیگر نموده‌های آن را جایگزینش می‌سازند؛ آتشی که در آتشدان گرد و دایره‌ای شکل نگاهداری می‌شود و تلاش می‌شود تا همواره روشن و پاک بماند را می‌توان نماد درست و کاملی از خورشید زندگی بخش در اساطیر زرتشتی دانست.

آتش در فرهنگ‌های بسیاری نماد خورشید به شمار می‌آید و این امر مختص فرهنگ زرتشتی نیست، از آن جمله می‌توان به اساطیر یونان و نیز فرهنگ‌های بومی امریکای شمالی اشاره کرد. در اغلب فرهنگ‌ها و اساطیر باستانی دو عنصر خورشید و آتش به عنوان نماد انرژی و زندگی به هم پیوند خورده‌اند. بازنمایی آن در فرهنگ‌های معاصر نیز مشاهده می‌شود. احترام زرتشتیان به آتش آشکارا ریشه در آیین هند و ایرانی اجاق دارد، زیرا در هند نیز این احترام به آتش یا اگنی را به همین صورت وجود دارد. ارزش و اهمیتی که زرتشتیان برای آتش به عنوان یک نماد قائل بودند سبب شد در دوره‌های بعد مسلمانان آنان را به پرستش آتش متهم کنند.



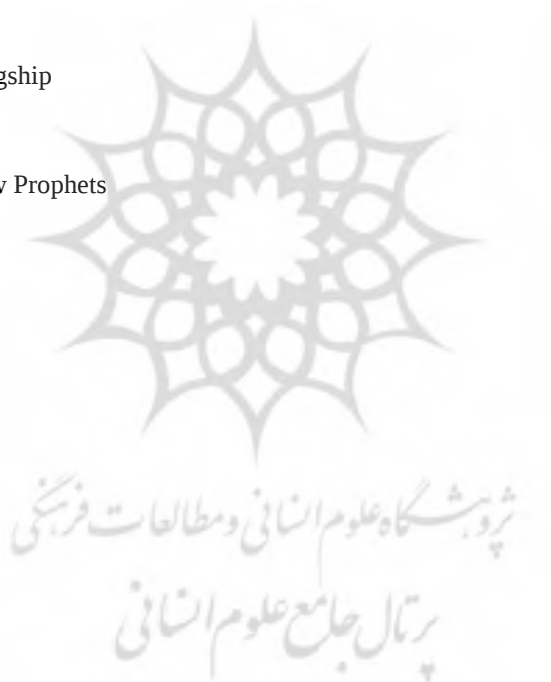
شکل ۹. آتشدان و آتش در میان آن، عکس: نگارنده

نتیجه‌گیری

نتیجه کلی که می‌توان از مقاله فوق حاصل کرد آن است که انسان از عهد باستان همواره در تلاش بوده تا اندیشه‌های خود را به نوعی در جهان اطرافش جلوه‌گر سازد و در همین راستا، به‌ویژه در موارد پر اهمیتی مانند آداب و آیین‌ها، به نمود دادن و تجسد بخشیدن به باورهای خود اقدام کرده است. یکی از مواردی که در این شمار می‌توان بررسی کرد، آلات یا ابزارهای آیینی است. نمونه‌ای که در این مقاله مطالعه شد، آیین یسناخوانی در دین زرتشتی بود. زرتشتیان بر این باورند که آیین‌هایی که برگزار می‌کنند و به‌طور کلی اعمال آنها بر جهان در بُعد مادی و غیرمادی اثرگذار است. یکی از این موارد آیین‌های خواندن اوستا از جمله یسناخوانی است که می‌تواند به برقراری نظم جهانی کمک کند. در مقاله به بررسی این نکته پرداخته شد که چگونه این غایت دینی و اساطیر و باورهای شکل‌دهنده آن، در اعمال آیینی که انجام می‌پذیرد و ابزار و آلات و ظروفی که حین این اعمال مورد استفاده قرار می‌گیرند، جلوه‌گر شده است؛ و به عبارتی چگونه جلوه‌ای مادی از آن باورها در قالب آثاری هنری که در اینجا ابزار و آلات آیینی هستند قابل مشاهده است.

پی‌نوشت‌ها:

1. S. H. Hooke
2. James G. Frazer
3. Johannes Pederson
4. Vilhelm Mannhardt
5. Vilhelm Grönbech
6. Hermann Gunkel
7. Criticism
8. Sigmond Mowinckel
9. libretto
10. Myth and Ritual
11. Labyrinth
12. Myth, Ritual and Kingship
13. H. H. Rowley
14. Ritual and the Hebrew Prophets
15. S. G. F. Brandon
16. Hermann Gunmek
17. Exodus
18. Passover
19. H. S. Nyberg
20. Book of Hosea
21. Alfred Haldar
22. Aagen Bentzen
23. Reitzenstein
24. Frank Leslie Cross
25. Engnell
26. Martin Noth
27. He that Cometh
28. Geo Widengren
29. Ālāt (no) xwān
30. barsam/barsom
31. Strabo





32. čini
33. tāē
34. tāi
35. ēwkardagīh
36. Soma

References:

- Amouzgar, J. (2002). *Mythological History of Iran*. Tehran: Samt. (In Persian)
- Baldick, J. (2006). *Maiondaean (Zoroasrian) religion; Religions of Asia, Taoist, Mazdaean (Zoroastrian), Hindu, Sikh And Jain religions* (A. Govahi, Trans.). Vol. 3. Tehran: Daftar Nashr-e Farhang-e Eslami. (In Persian)
- Boyce, M. (1998). *Summary of the History of Zoroastrianism* (H. Sanati Zadeh, Trans.). Tehran: Safi Alishah.
- Dadestan. (1882). *Dadestan-i Denig ('Religious Decisions')* (E. W. West, Trans.). from *Sacred Books of the East*, volume 18, London: Oxford University Press.
- Dinkard (1911). *Dinkard (Denkard)*. Edited by D. M. Madan, 2 Vols. Bombay.
- Harrelson, W. (1995). *Myth and Ritual School. The Encyclopedia of Religion*. M. Eliade, Edition. Vol. 9, New York.
- Hartman, S.(1980). *Parsism, The Religion of Zoroaster*, Leiden.
- Macdonell, A. A. & Keith, A. B. (1967). *Vedic Index of Names and Subjects*, Delhi.
- Modi, J. J. (1937). *The Religious Ceremonies and Customs of the Parsees*. Bombay.
- Pahlavi Rivayat. (2011). *Pahlavi Rivayat* (M. Mirfakhraie, Trans.). Tehran: Institute for Cultural Studies and Research. (In Persian)
- Ringer , M .M. (2011). *Pious Citizens: Reforming Zoroastrianism in India and Iran*, Syracuse, N.Y.
- Settegast, M.(2005). *When Zarathustra Spoke: the Reformation of Neolithic Culture and Religion*. Costa Mesa, California.
- Stausberg , M. (2012). *From Power to Powerlessness: Zoroastrianism in Iranian History. Religious Minorities in the Middle East: Domination, Self-Empowerment, Accommodation*, Leiden and Boston, 171-93.
- URL 1: avesta.org
- URL 2: freeimages.org



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی